

نامه میرزا شفیع به سوماریا مترجم سفارت

فرانسه در بغداد

عالیشان معلی مکان عزت و صداقت بنیان زبده الامثال المسیحیه سوماریا،
باش ترجمان و کاتب سردولت بهیئه فرانسه بعافیت مقرون بوده معلومش باد
که نوشته آداب سرشته آنعالیشان واصل و از مضامین آن اطلاع حاصل شده
اخبارات دور و نزدیک را که رقمزد کلك صداقت سلك نموده بانضمام فقراتی که
در باب اتحاد این دو دولت بهیبه قلمی داشته بود تمامی حالی و خاطر نشان
گردید. این مطلب ظاهر و آشکار است و ضرور اظهار و تذکار نیست. آنچه نوشته
بود اینجانب مضاعف آن را میدانم لکن چندانست که ظاهراً بعلت بعضی موانع
ترك آمد و شد رسل و رسایل شده اما در باطن همان مراودت و یکجبهتی باقیست
و نقصی بهم نرسانیده. اینکه خواهش نموده بود که ازین طرف مجدداً ابواب
اظهار دوستی گشاده بار سال رسل و ترسیل مراسلات مبادرت رود آنعالیشان
خود مطلع است که الی حالی ازین قبیل تعارفات ظاهری بسیار اتفاق افتاده
و بهیچوجه فایده و ثمری حاصل نشده می باید کاری کرد که مفید فایده باشد.
حال مدت دو سالست که اینجانب زحمات بسیار و مرارات بیشمار می کشم که
شاید رفع بعضی ملامت و ناخوشی از خود نمایم و هنوز بجائی منتهی نشده.
آنعالیشان البته از چگونگی مرارت این دو سال اینجانب در پاس دوستی آن
دولت مطلع نشده است. حال که آن عالیشان خواهش تجدید رسوم الفت و

اتحاد فیما بین دولتین بهتین را نموده است اینجانب نیز زیاده از حد این مطلب را طالب میباشم چرا که در ایران و درب خانه شاهنشاه جهان و جهانیان خیر خواه دولت فرانسه محسوب شده‌ام و بساینجهت هنوز هم مورد توییح و ملامت اهالی ایران میباشم مکرر قلمی شده است که هر گاه پادشاه فلک بار گاه فرانسه و رجال آن دولت بهیه می‌خواهند که رفع بدنامی خود کرده در عالم محمود و نیک‌نام باشند این معنی برای آن دولت میسر نخواهد شد بجز اینکه عهد و میثاقی که در خصوص اخراج روسیه با دولت قاهره بسته‌اند و فائز نمایند که راه عرض و استدعائی برای این خیر خواه بدست آید. حالا اگر از جانب شما حرفی بگویم اندیشه دارم که حمل بر بعضی جهات نمایند. آخر دوستی و آشنائی دو دولت بزرگ را نفعی و ثمری ضرور است خلف عهد و سست پیمانی شما که عالم گیر شده و از ایلچیان و فرستادگان آن دولت هر که اینولا شده هزار گونه سخنان دوستانه مسموع گردید و یکی از قوه بفعل نیامده. یکی مذکور ساخته که ایمپراطور اعظم از راه دریا هزار تفنگ فرستاده، یکی نوید داده که پنجاه عراده توپ می‌آورند، یکی دیگر گفته که پادشاه محض خاطر شما با روسیه مصالحه کرده ایلچی فرستاده که روسیه را بیرون نمایند ما هم به همین هوس موسی‌لازار را تدارک کلی نموده نزد گدویچ سردار روسیه فرستادیم. بعد از ورود آنجا سردار و کارگذاران این دولت تکلیف و اهتمام می‌نمود که شما قلاع را خالی کرده بروسیه واگذارید تا من بنای متار که میان شما بگذارم. این همه معلم و مهندس که از آن دولت در آنجا بودند با آنکه کمال محبت و نوازش دربارهٔ ایشان بعمل آمده و از مال دنیا بهیچوجه مضایقه نشده همینکه بنای دعوا و جنگ با روسیه شده یکجا خود را کنار کشیده نزدیک نیامدند. عسکرخان را با پنجاه هزار تومان تحفه و هدایا روانهٔ پاریس فرمودند. سه چهار سال او را در آنجا نگاه داشته باده هزار تومان قرض روانه ساختند، بخلاف اینطرف که ایلچیان را با تدارک بهر نوع که دلخواهی ایشان بود روانه کردند. هرروزه عسکرخان از پاریس مینوشت که چنان و چنین جواهر و تحفه‌ها درست شده می‌آورم یکجا همه دروغ محض شده، عسکرخان با آن همه قرض مراجعت کرد. آخر چه واقع شده بود

دوپادشاه عظیم الشان که باهم دوستی و تعارف و مهربانی مرعی میدارند چرا از آنطرف می‌بایست مبارکباد و تعارفی بعمل نیاید که در میان دولت‌های عالم برای ایندولت سبکی و بدنامی حاصل شود. اگر از رفتار و دوستی انگریز اظهار نمایم مجملی آن که از روزیکه بنای دوستی را گذاشته ایلچی ایشان وارد شده است جزئی دروغی نگفته و نمی‌گویند و سالی دویست سیصد هزار تومان وجه نقد بسرکار اقدس شاهنشاهی میدهند و تا حال سی‌چهل هزار تنگ و پنجاه عراده توپ داده‌اند و همین دفعه همه معلم و توبچی و آدم‌های ایشان با قشون ایرانی موافقت کرده دعوی عظیم با روسیه واقع و شکست فاحشی داده دو سه هزار روسیه را کشته و گرفته و تا حال چندین مرتبه ایلچی ایشان آمده برای سرکار عظمت مدار شاهنشاهی مبالغ کلی جواهر و تحفها آورده، برجال دولت علیه کسی نمانده که لازمه تعارف بعمل نیاورده و لازمه ایستادگی داشته و دارند که روسیه را بزور و پول انشاءاله بموافقت این دولت علیه از ایران بیرون نمایند. ایلچی که از دولت علیه رفته و می‌رود، دولت انگریز خود متحمل اخراجات آن شده و میشوند. آن عالیشان که این تکلیف را نموده راست است اینجانب همیشه بخیر خواهی دولت بهیه فرانسه معروف و مشهور بوده‌ام ولیکن از کم غیرتی و بی‌اهتمامی شما راه حرفی در این آستانه علیه ندارم. چرا باید رجال آن دولت جاوید مدت که بهمه صفات حسنه آراسته می‌باشند تنگ بد عهدی و سست پیمانی را که از همه عیوب بدتر است بر خود پسندیده چشم‌ازپاس عهد و نگاهداری پیمان بپوشند. بخدا که اینجانب محض خیر خواهی که بعلت آمد و رفت آن دو ساله بهم رسیده است بر خود هموار نمیتوانم کرد و همیشه بعلت شهرتی که بخیر خواهی آن دولت دارم نزد همه کس خجل و منفعل می‌باشم درین چند ساله که مبادتی بتقریب قطع رسل و رسایل دست داده بود همیشه خواهشمند این مطلب بودم که واسطه معقولی که محریمیت و صداقت داشته بهم رسد تا در صدد اظهار بعضی مراتب بر آمده مجملی از آنچه درین مدت فیما بین

رخنموده معلوم سازد. بهتر که آن عالیشان که از تمامی کارها مستحضر و آگاه و از قراریکه معلوم شده بی نهایت نیک اندیش و خیر خواه است باز باین حدود آمده سبقتی در اظهار بعضی مراتب نمود تا تازه مطالب در صدد اظهار بر آید و در پرده خفانماند. الحمد لله رب العالمین پروردگار پاک خدمه این دولت علیه را از اعانت جمیع دول بی نیازی داده است و ابواب فتوحات بر چهره آمال این دولت جاوید مدت گشاده. البته مسموع آن عالیشان گردیده است که درین سال فیروزی مآل تا چه حد آثار ضعف و فتور از صدمات سپاه مقصود در احوال روسیه این سرحد راه یافته، چه قدر از آنها مقتول و چه قدر دستگیر شده. آنچه اظهار و قلمی شد محض دوستی و خیر خواهی بود. چنانچه آن عالیشان صلاح داند همین نوشته را انفاذ پاریس نزد امنای دولت بهیه فرانسه نماید. پیوسته مترصد اخبارات و مرجوعات می باشد.